عدالت خواهی

قسمت دوم

نویسنده : عباس خادم الحسینی

خواه ناخواه من و شما در زندگی خود بی عدالتی های بسیاری را دیده‌ایم یا آن که شخصاً آنها را تجربه کرده ایم. تحمل این تجربه ها شاید سخت و دردناک بوده اما باید قبول کنید که در برابر این وقایع چاره‌ای جز پذیرش وجود ندارد. پذیرش بهترین دارویی است که می تواند عدالت خواهی را درمان کند.

چندی پیش یکی از دوستان من به کمک مالی احتیاج پیدا کرد. برادرش که مرد دلسوز و خیر خواهی بود برای حل مشکل مالی وی طلاهای همسر خود را فروخت و مبلغی را به عنوان قرض به او داد. جالب این جاست که برادر این مرد نه تنها این پول را پس نداد (چون شاهد و مدرکی وجود نداشت) بلکه تا سال ها بعد هر جا که می نشست از برادر خود بدگویی و شکوه هم می کرد.

بگذارید یک مثال تأمل برانگیز تر بزنم. در شهر من شیراز، مرد افغانی حودا۵۰ساله ای با پسر جوان خود زندگی می کند. این مرد دائماً مورد بی احترامی پسر خود قرار دارد و من بارها مشاجره ی بی ادبانه ی این جوان را با پدرش دیده‌ام. یک روز که با چند نفر از دوستان در مورد آنها صحبت می کردیم یکی از بچه ها گفت که آن جوان پسر او نیست بلکه خواهرزاده اش است که در طفولیت در جنگ های طایفه ای افغانستان، پدر و مادر خود را از دست داده است و این مرد که دایی او می باشد سرپرستی اش را بر عهده گرفته و به همین خاطر هم تا به حال ازدواج نکرده است تا بهتر بتواند به خواهر زاده ی خود رسیدگی کند. حالا آن نوزاد، جوانی برومند گشته است و....

واقعاً در دنیایی پر از بی عدالتی و ناسپاسی زندگی می کنیم و اما این دلیل نمی شود که اجازه بدهیم قدر نشناسی های دیگران و یا بی عدالتی‌هایی که در حق ما روا می شود ما را به هم بریزند و آرامش و نشاط درونی مان را به یغما ببرند. دکتر وین دایر در کتاب "چگونه شخصیت سالم تر بیابیم" می گوید : "مشکل مهم وجود بی عدالتی نیست بلکه نحوه ی اندیشیدن شما در برابر آن است که اهمیت دارد".

در واقع آنچه می تواند به شادی درونی و آرامش خاطر شما آسیب برساند خود بی عدالتی نیست بلکه نحوه ی نگرش و نوع عکس العملی است که شما در برابر بی عدالتی ها دارید.

بنابراین پیشنهاد می کنم برای آنکه از آرامش پایدار و شادی درونی بیشتری برخوردار باشید اجازه ندهید که بی عدالتی ها و عدم توازن هایی که منصفانه نیستند شما را دستخوش تلاطم روانی کرده و به سوی عواطف منفی رهنمون سازند.

البته توضیح دو نکته را در اینجا بسیار لازم و ضروری می دانم :

اول این که نباید فراموش کرد که در این دنیای بزرگ و لایتناهی که خالقی حکیم و دانا دارد هیچ واقعه ای بی حکمت و دلیل روی نمی دهد و همین رخدادهایی که ما آنها را بی عدالتی های دنیا به حساب می آوریم قطعاً در دل خود حکمتی بزرگ وحساب شده دارند که ما از آن ها بی‌خبریم.

اگر می خواهیم ثواب کنیم کباب می‌شویم، اگر جواب محبت مان را با بی مهری می دهند، اگر احساس می کنیم در مکانی پایین تر از حق مان هستیم و دیگران درمکانی بالاتر از حق شان قرار دارند، اگر خوبی می کنیم و با سرمان می آید و دیگران بدی می کنند و در خوشی به سر می برند در همه ی این موارد حکمتی الهی نهفته است که خدا می داند و بس. پس نباید فکر کنیم که کار خالق همه‌ی این اتفاقات، بی حساب و کتاب است و این بی عدالتی ها منشأ گرفته از بی نظمی جهان آفرینش است.

و اما نکته ی دوم در مورد عدل خداوندی است. همه ی انسان های با ایمان اعتقاد دارند که خداوند عادل است و به طور کلی خلاف عدل و انصاف رفتار کردن (ظلم کردن) بر خلاف اصول خداوندی است و در قاموس الهی جایی ندارد.

این عقیده در مورد ما شیعیان کمی پر رنگ تر است تا جایی که بسیاری از ما اعتقاد به عدل خداوند ی را یکی از اصول دین خود می دانیم. حال این سوال پیش می آید که چطور می شود در دنیایی که خالق آن سرچشمه‌ی عدل و انصاف است این همه بی عدالتی و نابرابری در روابط و رخدادها وجود داشته باشد؟

در پاسخ به این سوال باید بگویم که عدالت به دو شکل وجود دارد یکی عدالت آشکار (عدالت بشری) و دیگری عدالت پنهان (عدالت الهی). عدالت آشکار بسیار ملموس و قابل درک است و من و شما به راحتی وجود یا نبود آن را در زندگی خود حس می کنیم در حالی که عدالت پنهان در اکثر موارد قابل تشخیص و حس کردن نیست. عدالت آشکار به صورت تمام و کمال در دنیا اجرا نمی شود اما عدالت پنهان به صورت کامل و جود دارد حتی اگر ما آن را درک نکنیم.

به بهانه سالروز کودتای ننگین علیه دولت مصدق(۲۸ مرداد)

دکتر محمد مصدق و نهضت ملی شدن صنعت نفت

قسمت سوم

گردآورنده :(معصومه دیهیم)

مصدق و سیاست موازنه منفی نفت :

در سال (۱۳۲۳) نمایندگانی از شرکت های نفتی انگلیس و آمریکا برای کسب امتیاز نفت مناطق جنوب شرقی ایران (بلوچستان) به ایران آمدند . آن ها با محمد ساعد ، نخست وزیر (۸ ماه دور اول) مذاکراتی انجام دادند . اعضای حزب توده در مجلس با اعطای امتیاز نفت به طور جدی مخالفت کردند . در این هنگام دولت شوروی فرصت را مغتنم شمرد و هیأتی را برای درخواست امتیاز نفت شمال به ایران فرستاد اما این بار حزب توده از اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی حمایت کرد. دولت شوروی برای تحمیل امتیاز نفت شمال با استفاده از اهرم هایی چون حزب توده و عوامل داخلی اش و هم چنین قوای مسلح شوروی که به رغم پایان یافتن جنگ هم چنان در خاک ایران حضور داشتند ، دولت و مجلس را تحت فشار گذاشت.

در میان کشمکش های نفتی میان قدرت های استعماری ، ساعد مراغه ای از نخست وزیری استعفا کرد و سهام السلطنه بیات نخست وزیر شد . سرانجام با تصویب قانونی در مجلس مبنی بر ممنوعیت دولت در مذاکره با نمایندگان رسمی و غیر رسمی دولت ها برای امتیاز "نفت" بدون تصمیم و تأیید مجلس ، (مجلس چهاردهم) این بحران فروکش کرد. این طرح به همت دکتر مصدق به مجلس ارائه شد و با اکثریت آرا به تصویب رسید . این اقدام به منزله اتخاذ سیاست "موازنه منفی" بود، یعنی ممنوعیت واگذاری امتیاز نفت به قدرت های شرق و غرب که در برابر سیاست "موازنه مثبت" که اعطای امتیاز نفت به دو قدرت شرق و غرب بود، اتخاذ گردید .

براساس این قانون، هرگونه مذاکره‌ی رسمی و غیر رسمی به منظور اعطای امتیاز نفت، ممنوع شد. پیشنهاد مصدق به شوروی این بود که دولت شوروی، سرمایه لازم را برای استخراج نفت در اختیار ایران بگذارد و در عوض ایران متعهد شود که نفت تولید شده را به طور انحصاری به دولت شوروی بفروشد.

پس از جنگ دوم جهانی، شوروی از تخلیه ایران خودداری کرد و پس از غائله آذربایجان، طبق موافقت نامه "قوام-سادچیکف"، قرار شد که شرکت مختلطی میان ایران و شوروی تشکیل و امتیاز نفت شمال ایران به مدت ۵۰ سال به این شرکت واگذار شود.

اما این موافقت نامه برای اجرا به تصویب مجلس نیاز داشت. مجلس در جلسه مورخ ۲۹ مهر ۱۳۲۶ نه تنها این موافقت نامه را رد کرد، بلکه "واگذاری هرگونه امتیاز استخراج نفت و مشتقات آن، به خارجی ها و ایجاد هر نوع شرکت برای این منظور که خارجی ها در آن به وجهی از وجوه سهیم باشند را مطلقاً ممنوع کرد". نمایندگان مجلس برای حفظ موازنه بین انگلیس و شوروی و برای کاستن از عصبانیت شوروی، تبصره ای در قانون یاد شده گنجاندند که بر اساس آن دولت مکلف شده بود: "در کلیه مواردی که حقوق ملت ایران نسبت به منابع ثروت کشور، اعم از منابع زیرزمینی و غیر آن، مورد تضییع واقع شده است، به خصوص راجع به نفت جنوب، به منظور استیفای حقوق ملی، مذاکرات و اقدامات لازمه را به عمل آورد و مجلس شورای ملی را از نتیجه آن مطلع سازد".

پس از عمر کوتاه دولت قوام "نزدیک به دو سال" دولت حکیمی جد و جهدی در این باره نکرد. پس از دولت هژیر که در خرداد ۱۳۲۷ بر سر کار آمد، اجرای این قانون را در برنامه خود قرار داد. اما در عمل، مذاکرات جدی در زمان دولت ساعد (آبان ۱۳۲۷) آغاز شد.

گلشاییان، وزیر دارایی وقت، ریاست هیئت ایرانی و "نویل گس"، یکی از مدیران شرکت، ریاست هیئت شرکت نفت را به عهده داشتند. در آن هنگام ونزوئلا قرارداد امتیازی بر مبنای سهم ۵۰-۵۰ را به اجرا گذاشته بود و دولت عربستان نیز در مذاکرات خود با طرف های خارجی همین سهم را خواسته بود. گلشاییان نیز با استناد به قبول سهم ۵۰-۵۰ در ونزوئلا تلاش می کرد شرکت را متقاعد سازد که در اصل سهم منافع تجدیدنظر شود، اما گس با این اصل به کلی مخالف بود و تنها به پاره ای از تعدیلات در قرارداد رضایت می داد. در تب و تاب مذاکرات یادشده، سید حسن تقی زاده که خود در جایگاه وزیر مالیه وقت، قرارداد ۱۳۱۲ را به امضاء رسانده بود، در جلسه مورخ هفتم بهمن ۱۳۲۷ مدعی شد که او در این جریان تنها "آلت فعل" و در واقع فاعل شخص رضا شاه بوده است که "بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست برگردد".

سخنان او در آن حال و هوا موج تازه و سهمگینی علیه شرکت نفت به راه انداخت و مشروعیت و اعتبار قرارداد ۱۳۱۲ را به کلی مخدوش کرد.

درآمد دولت ایران بابت این قرارداد در قیاس با قراردادهای دیگری که در منطقه خاورمیانه، از جمله عراق، باب شده بود، بسیار کم بود و اسباب کدورت خاطر و احساس غبن را در افکار عمومی و دولت مردان به وجود آورده بود؛ به گونه ای که درخواست ۵۰ درصد سهم از منافع شرکت حق طبیعی و مسلم ایران تلقی می شد و هرگونه پیشنهادی که کمتر از این سهم نصیب ایران می کرد، ناعادلانه و پیشنهاددهنده آن خائن لقب می گرفت. سرانجام با رایزنی های مقامات دولتی انگلیس و مداخله شاه "قرارداد الحاقی گس - گلشاییان" در تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۲۸ به امضا رسید و دو روز بعد برای تصویب به مجلس تقدیم شد.

لایحه نفت در حالی به مجلس پانزدهم تقدیم شد که دیگر عمر مجلس آن دوره رو به پایان بود و فرصتی برای بحث و بررسی جامع بر روی آن باقی نبود. اما نمایندگان مخالف، به ویژه حسن مکی، با سخنرانی های طولانی مانع از رأی گیری درباره آن شدند و تصمیم نهایی در باره این موضوع را، تا تشکیل مجلس شانزدهم به تعویق انداختند.

در اثنای برگزاری انتخابات مجلس شانزدهم، جبهه ملی تشکیل شد و هشت تن از نامزدهای متعلق به این گروه وارد مجلس شدند. دکتر مصدق بالاترین رای تهران را از آن خود کرد و به همراه پنج تن از دیگر اعضای جبهه ملی به عضویت کمیسیون ۱۸ نفره نفت درآمد. این کمیسیون پس از بحث و بررسی هایی که از ۳۰ خرداد ۱۳۲۹ آغاز شده بود، در تصمیم جلسه مورخ ۴ آذر، لایحه نفت را برای استیفای حقوق ایران کافی ندانست و آن را رد کرد. در همان جلسه، جبهه ملی پیشنهاد ملی کردن صنعت نفت را مطرح کرد، اما کمیسیون آن را نپذیرفت. ماه بعد مجلس نیز، نظر کمیسیون نفت را مطرح کرد، اما کمیسیون آن را نپذیرفت. ماه بعد مجلس نیز، نظر کمیسیون نفت را تأیید کرد.

در همان ایام، توافق عربستان سعودی به امضا رسید. این امر موضع طرف ایرانی را در مذاکرات تقویت می کرد. رزم آرا به کلی در حل این مشکل درمانده بود. او به تاریخ ۲ اسفند در جمع اعضای کمیسیون نفت مجلس، موافقت خود را با اصل ملی شدن نفت اعلام کرد، اما مدعی شد که شتاب زدگی در این کار به صلاح نیست.

ادامه دارد...

۱۱ شهریور روز صنعت چاپ به تمام صنعتگران سخت کوش مبارک

به مناسبت روز صنعت چاپ به فکر افتادیم که با یکی از صنعتگران این حرفه گپی خودمانی بزنیم و به سراغ چاپ نجف زاده که کلیه امور چاپ این روزنامه را انجام می دهد رفتیم و پس از کمی تامل و با لبخندی که حاج آقا نجف زاده داشتند خواستیم مختصری از زندگی و کار خود را برایمان بازگو نمایند.

اینجانب حاج سید عبدالحسن نجف زاده یکی از پیشکسوتان صنعت چاپ شیرازمتولد ۱۳۲۰ شیراز در محله آستانه چشم به جهان گشودم و پس از دوران کودکی همراه با درس در کنار پدرم مرحوم جواد نجف زاده مشغول به صحافی کتاب و مجلات شدم و این حرفه را از پدرم آموختم و کم کم به حرفه چاپ علاقه مند شدم . در آن زمان ماشین چاپ به صورت دستی کار می کرد. یاد دارم موقعی که کار چاپی آماده چاپ می شد من مسئول حرکت دادن ماشین بودم و یک نفر هم با دست کاغذ به ماشین می‌داد تا یک برگ چاپ شود. تیراژ چاپ هم کم بود و کار چاپی هم کم. یادم نمی رود شب که به خانه برمی گشتم هر دو پایم خسته و از خستگی خوابم نمی برد تا صبح دوباره روز از نو روزی از نو. بعد از مدتی توانستم به عنوان ورقه ده به ماشین کار کنم و چون قدم کوتاه بود مجبور بودم زیر پایم کرسی بگذارم و از برادربزرگترم کمک بگیرم. در خصوص ماشین آلات آن زمان نیز باید بگویم ماشین های آن زمان به شکل ماشین های کنونی نبود و نه به صورت اتوماتیک بلکه یک تخته بالای ماشین بود و کاغذ را روی آن می گذاشتند و ورق را با دست به ماشین می دادیم . مثلا روزنامه هایی بود که تعداد آنها با تیراژ کم چاپ می شد در ۴ صفحه سیاه و سفید با تیراژ ۵۰۰ الی ۷۰۰ که ساعت ۸ شب فرم آن را می بستیم تازه باید می‌رفت غلط گیری سپس آماده چاپ می شد. ساعت ۱۲ تازه باید ۲ صفحه داخلی را چاپ می کردیم . بعد از آن صفحه رو را چاپ می کردیم . ماشین هم که با هزار مشکلات ساعتی ۵۰۰ برگ چاپ می کرد صبح ساعت ۶ هم باید روزنامه چاپ و آماده توزیع می شد. در آن زمان ماشین های چاپ دارای نورد ژلاتینی بودند و به همین علت تابستان ها که هوا گرم بود نوردها بر اثر کار کردن شل می‌شدند و بایستی مدتی را صبر می کردیم تا نوردها خنک شوند . آن موقع جهت چاپ عکس بایستی گراور می ساختیم که خود مقوله ای دیگر دارد. خلاصه کار کردن با ماشین‌های قدیمی سخت و مشقت بار بود ولی با عشق و علاقه ای که داشتیم وقتی روزنامه آماده توزیع می گردید خستگی از تن مان خارج می شد. ولی اکنون با تکنولوژی جدید و ماشین های پیشرفته می توانیم روزنامه را در اسرع وقت و با کیفیت چهار رنگ به چاپ برسانیم. مثل روزنامه وزین طلوع که با تیراژ ۲۰۰۰۰ نسخه به صورت چهار رنگ و سیاه و سفید به چاپ رسانده و به موقع جهت توزیع در گستره استان های مختلف به دفتر روزنامه ارسال نماییم. برای اولین بار در استان فارس GTO ۴ رنگ پشت و روزن را از آلمان خریداری و پس از مشکلات طاقت فرسا در چاپخانه نصب نموده و فرزندانم را که از کودکی علاقه به چاپ داشتند و این حرفه در خانواده ما به صورت موروثی در آمده را مشغول نمایم. پس از آن برادرم یک چاپخانه در شیراز خیابان ملاصدرا به نام چاپ صدرا و پسرم یک چاپخانه به نام چاپ آریا و دو برادرم چاپ حدیث واقع در شیراز پل حر و برادر بزرگترم هم صحافی مهرزاد سه راه مدبر را اداره نمایند.

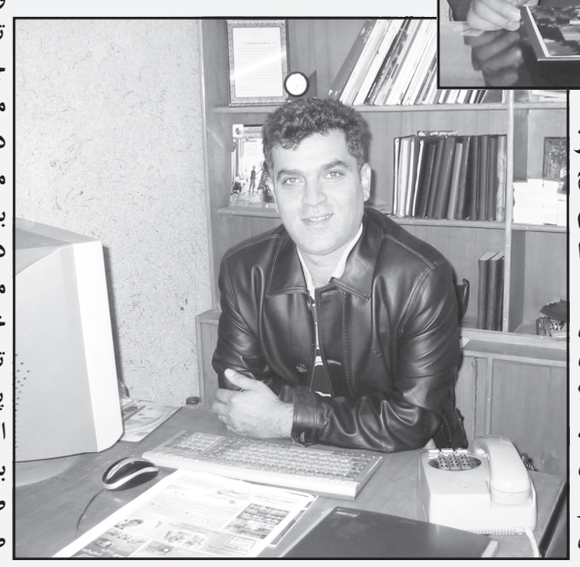

و سخن آخر از تمام کسانی که می خواهند در این کار و حرفه مشغول شوند می خواهم که با عشق و علاقه وارد این حرفه شوند تا بتوانند موفق شوند.

نامه ای به حجت الاسلام و المسلمین حاج سید حسن خمینی در مورد ضرورت تشکیل حزب

محمد باقر باقری نژادیان فرد

حضرت سید حسن خمینی فرزند خلف جسمانی و روحانی خمینی کبیر

اوصیکما بتقوی الله و نظم امرکم « امام علی(ع)»

چنان که مستحضرید در ایران زمین ضرورت تاسیس احزاب میلیونی، مردمی، انسانی، الهی که بتوانند با مدیریت(۱)، برنامه ریزی ،آموزش ، سازماندهی و تربیت کادرهای متخصص و متعهد در تمام سطوح متناسب با عصردانایی جهت توسعه همه جانبه و پایدار ملک و ملت را اداره نمایند به روشنی احساس و درک می‌شود.

در راستای نهضت ابنیا و اولیا و حضرت روح خدا (ره) چنین امر حیاتی و سترک به دست اشخاصی امثال حضرتعالی میسور است . امید است این شجره طیبه الگویی برای امت اسلام و مستضعفان جهان گردد.

بدیهی است در عصر حاضر اگر فضا آزاد و روش سالم و رقابتی و عاقلانه و عادلانه نباشد هر حزبی تحت هر عنوانی در مدتی طولانی نمی تواند به حیات معقول خود ادامه دهد.

شاید خسران ناشی ازغفلت در پیشگاه خدا و تاریخ و جامعه بخشودنی نباشد و جبران آن سخت و دشوار باشد با توجه به ضعف های تاریخی در امر حزب در این کشور بالا بردن فرهنگ سازماندهی به صورت های متفاوت : هسته ای ، تیمی ، خانواده ای ، محلی ، صنفی، مردمی، علمی ، ... آن هم از همه اقشار و قلمروها و تخصص ها و قوم های مختلف و متفاوت با بینش و منش و روش علمی و انگیزه الهی تلاش و دقت ویژه ای باید کرد .

به علت وجود سازمان های اطلاعاتی در جهان و منافع ملت ها و حاکمیت ها و احتمال نفوذ آنها ضرورت هوشیاری، زیرکی و کیّس بودن به خوبی احساس می گردد. و راه ها و روش های خاص خود را دارد. علم و تکنولوژی پیشرفته در جهان و ابزار قرار گرفتن آنها توسط مستکبران و جهان خواران نباید مانع از ایجاد احزاب مردمی، میلیونی ،مستقل، آزاد، سالم و... در سرزمین ما و سایر سرزمین ها باشد. بلکه ضرورت تاسیس چنین احزابی بیشتر درک می شود. قیام و پیروزی های ملت ها در عصر انبیا و اولیا با نصرت الهی و حفظ و هدایت تحولات و انقلاب‌های خاورمیانه و آفریقا و سایر جاها ضرورت ایجاد و توسعه چنین احزابی را بیشتر کرده است . بدیهی است ایجاد احزاب مردمی‌برای تقرب انسان ها به الله جل جلاله از مصادیق قیام لله مثنی و فرادی است.

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته

پاک باخته راه خدا و دلباخته روح خدا مهاجرا الی الله -**محمد باقر باقری نژادیان فرد**

۱) یکی از برنامه های احزاب بزرگ در ایران باید ایجاد فرصت شغل مولد میلیونی در سال و غنای شغل باشد.

برای ایجاد و ادامه حیات معقول

«حزب مردمی الهی ... ح م ا...»

توجه به نکات ذیل ضروری به نظر می رسد:

۱-از بزرگترین اهداف و رسالت ها در مکتب اسلام که مسئولیت آن پرورش همگان است امر به معروف و نهی از منکر است .

فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در درون و برون حزب باید نهادینه شود.

۲-بررسی احزاب در طول تاریخ بشری و نقاط طاقوت ها و ضعف های آنها.

۳-بررسی احزاب و تشکل ها و شخصیت های سیاسی در ایران در طول انحصار به ویژه :

الف: سال ۳۲ تا ۴۲ ب: ۴۲ تا ۵۷

پ: ۵۷ تا ۶۸ ت: ۶۸ تا ۷۶ ث:۷۶ تاکنون

۴-روش دموکراسی که بدون احزاب در اداره امور جوامع بی معنی است . از دست آوردهای علمی بشری است همانند دست اورد علم و تکنولوژی پیشرفته.

۵-در بینش و اجتهاد حکیمانه امام دموکراسی در اسلام محمد(ص) و علی (ع) برتر از دموکراسی های شرق و غرب است و برای دنیا و آخرت مردم سودمندتر.

۶-امام علی (ع) چه در قدرت و چه خارج از قدرت در دفاع از حقوق شهروندی و مدیریت جامعه انسانی الگوی مطلوبی است.

۷-ویژگی ایثارگری در راه خدا و مردم در پیشرفت جوامع بشری درانتخاب افراد و عزل و نصب ها ضابطه پذیرفته تاریخی است .

۸-محدود کردن دوره تشکلات و شخصیت ها به ویژه در مدیریت های کلیدی.

۹-به کارگیری مکانیزم شایسته سالاری همانند کشورهای پیشرفته و توجه به طرح مصدق.

۱۰-شناخت و معرفی هر چه عمیق تر خدا و انسان ها و تاریخ و جوامع و الگوهای قرآنی و اسلامی و علمی و اجتماعی و انقلابی اخلاقی

۱۱-شناخت هر چه بیشتر آزادی های انسانی و راه و روش تحقق آنها.

۱۲-شناخت ابعاد توسعه و پیشرفت های احسن جامعه واحزاب و مدیریت.

۱۳- شناخت وبه کارگیری رهنمودهای قرآن و سنت پیامبران و معصومین و ...

۱۴-حزب باید پناهگاه مظلومان و محرومان و مدافع حقوق شهروندان باشد.

۱۵-توجه به شناخت اعصار به ویژه عصر ارتباطات و اطلاعات و دانایی با توجه به اینکه قرآن جمع بندی پیام پیامبران و تاریخ جهان و انسان و کتاب برتر دانایی است.

۱۶-تعمیق فرهنگ صداقت، عدالت، آزادی ، رقابت و ... در حزب و جامعه.

۱۷- پذیرفتن حقوق الهی و انسانی شهروندان در درون و برون حزب پویا

۱۸-در ضابطه دینداری و معنویت اصول توحید، معاد و عمل صالح کافی است

۱۹-روی اساسنامه و مرامنامه حزب که می خواهد راه انبیا و اولیا را ادامه دهد و سعادت دارین را تامین و کمالات را تسهیل فرماید کار لازم انجام گیرد و راه و روش اصلاح و پویایی حزب پیش بینی شود.

۲۰-حزب هر چه بیشتر و دفع هر چه کمتر مد نظر قرار گیرد.

۲۱- در استحکام پایه ها و ساختن ستون ها و دیوارها و سقف های حزب به گونه‌ای عمل شود که حیات معقول حزب هر چه بیشتر بشود.

۲۲-درباره آنچه گفته شد راه و روش کاربردی کردن و اصل تدریج در پیاده کردن آنها در حزب و جامعه ضروری است.

الله جل جلاله و اسم اعظم خدا یار و یاورتان

روزنامه طلوع
از تمامی نقاط کشور آگهی و اشتراک می پذیرد
۰۷۱۱-۲۳۴۴۷۷۲
۰۷۲۱-۲۲۲۹۲۴۶